

قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله کاشانی

۲۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۳:۴۵

پس از اثبات حقانیت ایران در دادگاه لاهه در خصوص ملی شدن صنعت نفت ، دولت محمد مصدق بر تمامی مشکلات داخلی و خارجی با همراهی مردم و رهبری آیت الله کاشانی فائق آمد و علی رغم همه مشکلات اقتصادی ، آیت اله کاشانی مردم را همراه و همگام دولت نگاه داشت . مصدق که در صدد آن بود بر اختیارات خود بیفزاید خواستار عهده دار شدن وزارت جنگ شد.



دولت دکتر محمد مصدق در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۳۱ بر اساس یک تصویبنامه غیر قانونی ، دستور توقف انتخابات مجلس را

صادر کرد. این در حالی بود که تا آن زمان فقط هشتاد نفر از ۱۳۶ نماینده مجلس انتخاب شده بودند. دولت در توجیه این اقدام غیر قانونی استدلال می کرد که چون اختلافات ایران و انگلیس در زمینه ملی شدن صنعت نفت در دیوان بین المللی دادگستری مطرح است ، احتمال دارد عوامل بیگانه از وجود اختلافات بین نامزدهای انتخاباتی بهره برداری کنند و در نتیجه نظم و امنیت کشور مختل شود. از این رو انتخابات بقیه حوزه ها به بعد از خاتمه کار دیوان لاهه موکول شد.

آیت الله کاشانی تذکرات دوستانه ای راجع به این موضوع به دکتر مصدق داد که وی اعتنایی نکرد. در طول سیزده ماهی که مصدق بر سر کار بود انتخابات برگزار نشد و این خود مقدمه ای برای وقوع حادثه سی تیر شد. مکمل اقدام فوق استعفای ناگهانی و غافلگیر کننده نخست وزیر بود.

پس از اثبات حقانیت ایران در دادگاه لاهه در خصوص ملی شدن صنعت نفت ، دولت محمد مصدق بر تمامی مشکلات داخلی و خارجی با همراهی مردم و رهبری آیت الله کاشانی فائق آمد و علی رغم همه مشکلات اقتصادی ، آیت اله کاشانی مردم را همراه و همگام دولت نگاه داشت . مصدق که در صدد آن بود بر اختیارات خود بیفزاید خواستار عهده دار شدن وزارت جنگ شد. به دنبال مخالفت شاه با خواسته مصدق ، او مصدق بی آن که آیت الله کاشانی و دیگر مبارزان را آگاه کند در هفته آخر تیر ماه ۱۳۳۱ استعفای خود را تسلیم شاه کرد و شاه بی درنگ فرمان نخست وزیری قوام السلطنه را صادر کرد.

آیت الله کاشانی و مردم ایران زمانی از جریان امر آگاه شدند که قوام با اعلامیه شدید اللحنی آزادیهای سیاسی را محدود کرد و با ارباب و تهدید مردم مراکز حساس شهر را به اشغال نیروهای نظامی درآورد.

آیت الله کاشانی به مخالفت شدید با قوام برخاست و با صدور اعلامیه ای مردم را به مبارزه تشویق کرد. در اعلامیه ایشان آمده بود: ((احمد قوام ، عنصری که در دامان دیکتاتوری و استبداد پرورش یافته و تاریخ حیات سیاسی او پر از خیانت و ظلم جور است و بارها امتحان خود را داده و دادگاه ملی حکم مرگ و قطع حیات سیاسی او را صادر کرده است ، برای چندمین بار بر مسند خدمتکاران واقعی گماشته اند. احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج دیده آن پس از سالها رنج و تعب ، شانه از زیر باز دیکتاتوری کشیده اند، نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. بر عموم برادران مسلمان من لازم است که در این راه جهاد اکبر، کمر همت بر بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است.))

در حالی که دکتر مصدق به احمد آباد محل اقامت خود رفته و سکوت اختیار کرده بود، آیت الله کاشانی با صدور این اعلامیه مردم را به حرکت درآورد. روز بعد یعنی ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱ در حالی که کامیونهای حامل سربازان سراسر خیابان محل سکونت آیت الله کاشانی را اشغال کرده بودند، بنا به دعوت ایشان خبرنگاران خارجی و داخلی و نمایندگان احزاب و گروهها دسته دسته به دیدار ایشان شتافتند. آیت الله در پاسخ یکی از خبرنگاران که پرسید: ((اگر قوام نرود حضرت آیت الله چه تصمیمی می گیرند)) با یک حرکت شدید روی صندلی دو زانو نشست و فرمود:

((به خدای لایزال اگر قوام نرود اعلام جهاد می کنم و خودم کفن پوشیده با ملت در پیکار شرکت می نمایم.))

پس از این موضعگیری قاطع آیت الله کاشانی در سی ام تیر ماه ، بازار تعطیل شد و مردم به خیابانها ریختند و خواستار سرنگونی قوام شدند. به دستور قوام مردم به گلوله بسته شدند و عده ای به شهادت رسیدند.

سرلشکر وثوق که فرماندهی ژاندارمری را به عهده داشت مردم کفن پوش را که از طرف کرمانشاه و همدان و قزوین به طرف تهران می آمدند در کاروانسرا سنگی به گلوله بست و از حرکت آنها جلوگیری کرد.

دیدار نماینده شاه با آیت الله کاشانی

شاه که پس از برکناری مصدق قصد از بین بردن رهبر مذهبی مردم را داشت و پیروزی به دست آمده را در خطر می دید در صدد بر آمد تا با تطمیع آیت الله کاشانی او را وادار به سکوت کند. به همین خاطر روز ۲۸ تیر حسین علاء وزیر دربار را به خانه آیت الله فرستاد تا وی را به هر بهانه ای وادار به سکوت کند، و از ادامه مبارزه باز دارد. در ملاقاتی که بین کاشانی و حسین علاء انجام گرفت رهبر مذهبی مردم با اطلاع کامل از جریان با لحن تندی به وزیر دربار گفت :

((به اعلیحضرت بگویند که اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار باز نگردد (آیت الله کاشانی) شخصا به خیابان خواهد رفت و مبارزه مردم را مستقیماً متوجه دربار خواهد کرد.))

پس از وزیر دربار حسن ارسنجانی کارگزار قوام السلطنه به خانه ایشان رفت و از سوی قوام پیام برد که جناب اشرف انتخاب شش وزیر را در اختیار حضرت آیت الله می گذارند و در برابر تنها تقاضای خودداری از برانگیختن مردم را دارند.

آیت الله کاشانی ارسنجانی را نیز همچون علاء با پاسخی کوبنده و گزنده بیرون راند و روز بعد نامه زیر را به وزیر دربار نوشت : ((جناب آقای علاء دام ظلّه ، عرض می شود دیروز بعد از شما ارسنجانی از جانب قوام السلطنه آمد و گفت به شرط سکوت ، قوام انتخاب شش وزیرش را در اختیار من می گذارد. همان طور که حضوری عرض کردم به عرض اعلیحضرت برسانید. اگر در باز گشت دولت مصدق تا فردا نفرماید دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد. در انتظار اقدامات مجدانه شما. واسلام سید ابوالقاسم کاشانی))

سرانجام در اثر مبارزه دلاورانه مردم که به ندای پیشوای مذهبی و رهبران سیاسی خود پاسخ مثبت گفته و به خیابانها ریخته و سینه های خویش را در برابر گلوله های شاه و قوام سپر کرده بودند و با تهدید و اتمام حجت بی سابقه آیت الله کاشانی ، مقاومت دربار در هم شکست و شاه سرانجام با تلخی به برکناری قوام السلطنه تن در داد و مصدق با فداکاری مردم مسلمان به رهبری روحانیت باز دیگر پیروز و سربلند در حالی که سمت وزارت جنگ را نیز به دست آورده بود بر مسند نخست وزیری جای گرفت و در یک اقدام سرلشکر وثوق را به عنوان معاون وزارت جنگ به همکاری خویش برگزید.

انتصاب نامبرده که در کشتار مردم نقش اصلی را بر عهده داشت با عکس العمل آیت الله کاشانی مواجه شد، و ایشان در یک نامه خصوصی به مصدق ، زیان به همکاری برگزیدن این گونه افراد را که حقا بایستی محاکمه و مجازات می شدند یادآور گردید. اما مصدق در کمال ناباوری یک هفته بعد از واقعه ۳۰ تیر در روز ۶ مرداد ۱۳۳۱ در پاسخ آیت الله کاشانی نامه زیر را فرستاد: ((به عرض می رساند:

مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی داد. نمی دانم در انتخاب آقای سرلشکر وثوق و یا آقای دکتر اخوی که بدون حقوق برای خدمتگزاری حاضر شده اند و همچنین آقای نصرت الله امینی که از فعالترین اعضای نخست وزیر هستند، حضرتعالی چه عیب و نقصی مشاهده فرمودید که مورد اعتراض واقع شده اند. بنده صراحتاً عرض می کنم که اکنون در امور اصلاحی عملی نشده و اوضاع سابق مطلقاً تغییر ننموده است و چنانچه بخواهند اصلاحاتی بشود، باید از مداخله در امور مدتی خودداری فرمایند. خاصه این که اصلاحاتی ممکن نیست ، مگر این که متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد. اگر با این رویه موافقید بنده هم افتخار خدمتگزاری را خواهم داشت . والا چرا حضرتعالی از شهر خارج شوند، اجازه فرمایند بند از مداخله در امور خودداری کنم . والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته - دکتر محمد مصدق))

خلاصه این که بعد از پیروزی بزرگ ملت مسلمان ایران در به تصویب رسانیدن قانون ملی شدن صنعت نفت و کسب پیروزی باور نکردنی و بزرگی که بی گمان بدون رهبری روحانیت و فتاوی مراجع تقلید حاصل نمی شد، متأسفانه با برخورد ناشایست دکتر محمد مصدق با روحانیت و کنار گذاشتن ایشان از امور نهائیتاً وی نتوانست بیش از یکسال به حکومت ملی خود، ادامه دهد و سرانجام با کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت وی سرنگون گردید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۹۸۹/قیام-مس-تیر-ام-مس-آیت-رهبر-کاشانی-الله>